

۲۱۰۵۷۰۶

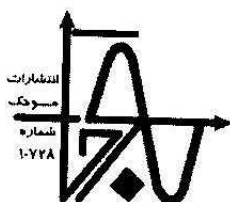
به نام خالق هستی

یارا

تألیف:

ریحانه سیری

www.ketab.ir



انتشارات موجک



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه: سیری، ریحانه، ۱۳۵۱ -

عنوان و نام پدیدآور: یارا/ ریحانه سیری؛ ویراستار سروش ملت پرست.

مشخصات نشر: تهران: انتشارات موجک، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۳۸۹ ص.

شابک: ۹-۰۳۴-۹۹۴-۶۰۰-۹۷۸، ۸۱۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴

Persian poetry -- 20th century

موضوع: شعر سپید -- قرن ۱۴

Blank verse -- 20th century

رده بندی کنگره: ۱۳۹۷، ۴۵ ی / PIR ۸۳۴۸

رده بندی دیویی: ۱/۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۳۷۷۹۳

انتشارات موجک

تلگرام: ۰۹۰۱۷۶۷۲۵۰۲-۰۹۳۶۳۰۳۱۲۵۸ کانال: telegram.me/mojak

تلفن مرکز پخش: ۰۲۶۳۲۴۰۳۵۱۳ - ۰۲۶۳۲۴۰۳۵۱۳ - ۰۲۶۶۱۳۱۱۹۳

ایمیل: mojakpublication@yahoo.com

سایت: www.mojak.ir

عنوان: یارا

تألیف: ریحانه سیری

ویراستار: سروش ملت پرست

طراح جلد: سیده زهرا روشنایی

مشخصات ظاهری: ۳۸۹ صفحه، قطع رقعی

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۹، تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۸۱۰۰۰۰ ریال، شابک: ۹-۰۳۴-۹۹۴-۶۰۰-۹۷۸

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر برای انتشارات موجک محفوظ است. هیچ شخص حقیقی و حقوقی حق چاپ و تکثیر این اثر را به هر شکل و صورت اعم از فتوکپی، چاپ کتاب و ... را ندارد. متخلفین به موجب بند ۵ ماده قانون حمایت از ناشرین تحت پیگرد قانونی قرار می گیرند.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۳	بخش اول: عاطفی - عاشقانه
۲۴۱	بخش دوم: رمانتیک
۲۹۷	بخش سوم: معناگرا
۳۶۳	بخش چهارم: اجتماعی

مقدمه

هنر، تراوش یک روح بی‌قرار است که در قفس تنگ جسم، سر به دیوار می‌کوبد و از بلندای محدود یک زندگی تاریک، روزنه‌ای به آفتاب درخشان عشق و ارادت و دوست داشتن می‌گشاید، پنجره‌ای به سمت آن سرزمین رویایی که در خاطرات سال‌های دورادور، آسمانش به رنگ آشنایی و زمینش سبز و هوایش آکنده از عطر خوب مهربانی است.

هر چند جلوه‌های هنر متعدد است، اما شعر، شاید گویاترین، آشناترین و خوشایندترین جلوه این بی‌قراری‌ها، برای توصیف و تصویر زندگی بر گونه آنچه باید باشد و نیست، از عمومیت بیشتری برخوردار است.

شعر گفتن برای من، نه به مثابه معماری کلمات و چیدمان ورنی افعال و واژه‌ها و حروف، بلکه فرصتی برای بیرون راندن آنچه بر دلم سنگینی می‌کند و در جستجوی تولدی دوباره در سرزمینی است که هرگز، به بودن و ماندن و ماندگاری در آن، عادت نکردم.

آنچه در پس این کلمات می‌آید، جلوه‌های عشق مادری است به هستی، دردانه دخترش و سپاس و تقدیر صمیمانه یک زن از همسرش و گاهاً دلخوری‌های یک انسان، از نگاه متعجربه جامعه به جنسیت‌اش و شاید نصیحتی هر چند کوتاه، برای مبارزه، ماندن، بودن و ساختن جامعه‌ای که در بستر آن، عشق بروید و به بار بنشیند و گل‌کند. هر چند این کلمات شاید، از

هیچ قالب شعری، از غزل و قصیده و مثنوی و رباعی و ... گرفته تا سپید و نیمایی و ... تبعیت نکند اما صاحب این اثر که هرگز ادعای شاعری نکرده است، باور دارد که آنچه از دل برآید لاجرم بر دل نشیند.